

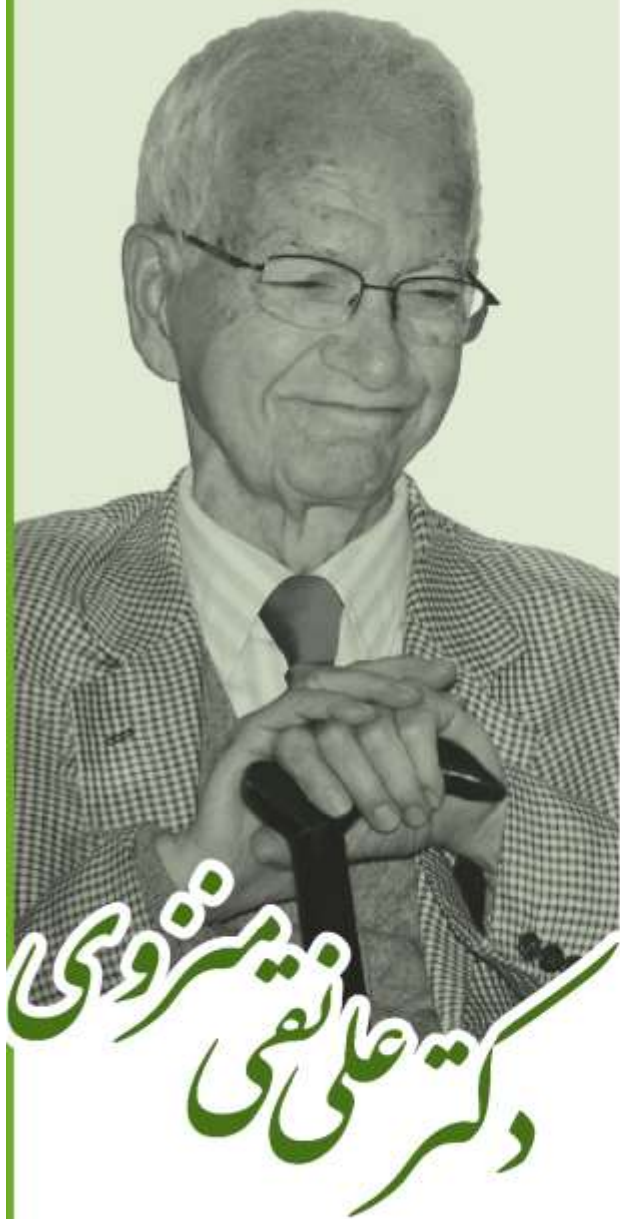
خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

دکتر علی نقی منزوی

گیلان نامه، جلد دوم، مجموعه مقالات گیلان شناسی، به کوشش م. پ، جکتاجی،
رشت، انتشارات طاعتی، ۱۳۶۹خ، برگه ۵۱۴ - ۴۲۵

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر



- ۱..... خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰-۹۹۹ق)
- ۱..... کارکیا
- ۲..... نسبت و تبار
- ۲..... زنجیره فرمانروایان این خاندان
- ۳..... شخصیت سیاسی خان احمد
- ۴..... مذهب خان احمد دوم
- ۴..... شخصیت علمی خان احمد دوم و آثار باقیمانده او
- ۵..... آثار علمی خاندان کارکیا
- ۵..... گروهی از دانشمندان پرورش یافته دوره این خاندان
- ۵-۱ محمد فرزند عبدالخالق فرزند معروف
- ۶-۲ علی پسر شمس الدین پسر حسین
- ۶-۳ عبدالحسین قاری
- ۶-۴ رفیع الدین حسین رضوی لنگرودی
- ۷-۵ میرقاری گوکه ای
- ۷-۶ مجتهد کرکی حسینی (د: ۱۰۰۱ق)
- ۸-۷ فغفور گیلانی محمدحسین پسر احمد لاهیجی (د: ۱۰۲۹ق)
- ۸-۸ حسام الدین لاهیجانی کارکیا پسر یحیا
- ۹..... سرایندگان دوره خاندان کارکیا
- ۹-۱ دافع لاهیجی، محمدصالح
- ۹-۲ راغب تبریزی، کلب علی
- ۹-۳ عهدی باکویی (د: ۹۶۵ق)

۹	۴- غریبی کاشی
۹	۵- غنی لاهیجی
۱۰	۶- کامی لاهیجی
۱۰	۷- محمود گیلانی
۱۰	۸- نظر گیلانی، شاه نظر پسر حسن شکوری نقیب
۱۰	۹- [فتح‌نامه‌ها]
۱۰	گوشه‌ای از علل سقوط خاندان کارکیا و پیروزی صفویان
۱۱	ایران میان دو یورش عرب و مغول
۱۱	غزالی و آشتی دو اسلام گنوسیستی و سُنی، در سده پنجم
۱۲	ایران پس از سقوط بغداد به دست مغولان تا آمدن صفویان
۱۲	ترکان به جای عرب‌ها
۱۴	استان‌های ایران در سده نهم
۱۵	مشکلات عقیدتی ضعیف‌کننده فرقه‌ها
۱۹	کتاب‌نامه
۱۹	نمایه کتاب و مقاله

دکتر علی نقی مسزوی

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

دکتر علی نقی منزوی

گیلان نامه، جلد دوم، مجموعه مقالات گیلان شناسی، به کوشش م. پ، جکتاجی، رشت، انتشارات طاعتی، ۱۳۶۹خ، برگه ۵۱۴ - ۴۲۵

کارکیا

کیا به معنی بزرگ و فرمانروا بود، کارکیا اضافه مقلوب به معنی کارفرما است که بعدها در گیلان به جای شاه به کار می‌رفته است. (لغتنامه‌ها)

خاندانی که بدین نام نزدیک به دو و نیم سده از ۷۶۰ تا ۹۹۹ق در گیلان فرمانروا بودند، از یک زندگی با اقتصاد فئودالی برخوردار بوده و مانند بیشتر ایرانیان آن زمان دارای حمیت ایرانی‌گری و پیرو عقاید گنوسیسم اسلامی بودند. اسلام‌شناسان امروز، عقاید اسلامی گوناگون خاور دجله تا سند را به عنوان «گنوسیسم اسلامی» خوانده در برابر «اسلام سُنی» می‌نهند که اعتقاد مردم باختر فرات تا مدیترانه و شمال آفریقا بود.

هنگام ظهور دین مقدس اسلام، هر یک از این دو قوم، اسلام را بر زمینه باورهای پدران خود پذیرا شده بودند و چون خلیفگان و فرمانروایان عرب از مردم گروه دوم بودند، «اسلام سُنی» مذهب رسمی به شمار می‌رفت. خاندان کارکیا گنوسیسم اسلامی خود را در شرایط زمانی و مکانی ویژه خود به رنگ نیمه رافض «زیدی‌گری» و شعبه «جارودی» آن نگاه می‌داشتند.

زیدیان در همان حال که رافض خلافت روحانی عباسیان بودند، در فروع احکام مذهبی از امامان سُنی تقلید می‌کردند و همین نرمش، برای ایشان مصونیت گونه‌ای در دستگاه پیروزمند خلافت عباسی عرب فراهم می‌کرد، ولی در سده دهم همین سُنی‌زدگی زیدیان موجب دل‌زدگی مردم ایران از ایشان و روآوردن به صفویان شد.

دکتر علی نقی منزوی

نسبت و تبار

خاندان کارکیا مانند چند خاندان دیگر، از جمله مرعشیان و مُشعشعیان و صفویان، برای تثبیت حقانیت و توجیه مشروعیت حکومت خود برای ایرانیان که شرط فرمانروا را داشتن «فره ایزدی» به اصطلاح پیش از اسلام، «معصوم بودن» به اصطلاح پس از اسلام و «انسان کامل» بودن به اصطلاح صوفیه و مدینه فاضله فارابی می دانستند، یکی از راه‌های انتقال این صفات را در نژاد و خانواده می شمردند، ناگزیر شده برای خود نسب‌نامه‌ای ساخته خود را از نوادگان پیامبر (ص) به شمار آورند.

زنجیره فرمانروایان این خاندان

لیست فرمانروایان این خاندان را زامباور و دکتر احمد سعید سلیمان از روی منابع معروف تاریخ طبرستان و گیلان و جامع الدول منجم‌باشی، تاریخ بارتولد، و از منابع ترکیه امروز «تورک تاریخ انجمنی مجموعه سی، چ ۱۳۴۱ ق چنین آورده‌اند:

سال هجری قمری	نام فرمانروایان کارکیا	سال میلادی
۷۶۰	کارکیا امیرکیا پسر حسن کیا	۱۳۵۹
۷۶۳	کارکیا علی کیا پسر امیرکیا	۱۳۶۱
۷۹۹	کارکیا رضاکیا پسر علی کیا	۱۳۹۷
۸۲۹	کارکیا میرمحمد اول پسر مهدی کیا پسر رضا	۱۴۲۶
۸۳۷	کارکیا ناصرکیا پسر میرمحمد	۱۴۳۴
۸۵۱	کارکیا سلطان محمد دوم پسر ناصرکیا	۱۴۴۸
۸۸۳	کارکیا میرزا علی پسر سلطان محمد	۱۴۷۸
۹۱۰	کارکیا سلطان حسن اول پسر سلطان محمد	۱۵۰۴
۹۱۱	کارکیا سلطان احمد اول پسر سلطان حسن اول	۱۵۰۶
۹۴۰	کارکیا سیدعلی کیا پسر سلطان احمد اول	۱۵۳۴

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۳

۱۵۳۴	کارکیا سلطان حسن دوم پسر سلطان احمد اول	۹۴۱
۱۵۳۶	کارکیا خان احمد دوم پسر سلطان حسن دوم	۹۴۳
۱۵۶۷	چیره شدن شاه تهماسب و جانشین کردن خان محمد پسر خان احمد	۹۷۵
۱۵۷۷ - ۱۵۹۱	بازگشت خان احمد به پادشاهی	۹۸۵ - ۹۹۹

شخصیت سیاسی خان احمد

در سال ۹۹۹ق شاه عباس بر گیلان چیره شد و خان احمد به عثمانی پناهنده گشت.

مرز فرمانروایی کارکیا از شمال به دریای خزر، از خاور به حکومت مرعشیان طبرستان و از جنوب رودبار بود، و در همین منطقه نیز گاهی اوقات رقیبانی مانند خاندان اسحاقیان در رشت با ایشان رقابت داشتند. به نام‌ترین فرد این خاندان، خان احمد پادشاه (۹۴۲ - ۱۰۰۹ق)، پسر حسن کارکیا پسر محمد پسر ناصر پسر مهدی پسر رضا پسر علی والی «بیه پیش»^۱ گیلان است.

او در سن یک سالگی پس از مرگ پدرش به سال ۹۴۳ق به تاج و تخت رسید و در حمایت شاه تهماسب بزرگ شد. وی «نی نی» دختر سرافرازی را به همسری او درآورد که پسرش حسن را برای او بزاد. سپس خان احمد بر تهماسب بشورید و در جنگی به سال ۹۷۵ق اسیر و به قزوین برده شده، در دژ قهقهه زندانی شد.^۲

پس از ده سال زندانی و همبندی با شاهزاده اسماعیل به سال ۹۸۵ق در پادشاهی (همبند پیشین خود) شاه اسماعیل دوم سنی آزاد شد و به حکومت گیلان بازگشت. خان احمد تا سال ۹۹۹ق پادشاه بود، در این مدت مریم دختر شاه تهماسب را به همسری خود درآورد. او در این سال بر شاه عباس نیز یاغی شد و شکست خورد، به والی ترک شیروان پناهنده شد و به

^۱ بیه پیش (لاهیجان)، نام بخش خاوری سفیدرود، و بیه پس (رشت) بخش باختری آن است، سفیدرود سرزمین گیلان را به دو نیمه بخش می‌کرده است.

^۲ تاریخ عالم‌آرای عباسی، چ افشار، برگه ۱۱۱ - ۱۱۳.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۴

استانبول رفت و همسر و دخترش در دربار اصفهان ماندند. دخترش به سال ۱۰۱۱ق همسر شاه عباس شد و مادر او به سال ۱۰۱۷ق درگذشت.

دولت عثمانی برای خان احمد پناهنده، موجب معین کرد. او در سال ۱۰۰۱ق از استانبول به بغداد آمده، به سمت مستوفی آن منطقه که به تازگی ترکانش اشغال کرده بودند، گمارده شد و مصطفی سانکلی تاریخ‌نگار به معاونت او فرستاده شد و در همان جا به سال ۱۰۰۹ق درگذشت.

ولی منجم‌باشی در جامع الدول می‌گوید: خان احمد هفت سال پایان عمر (۱۰۰۱ - ۱۰۰۸ق) را در استانبول گذرانیده است. گزارش پایان زندگی خان احمد در ترکیه در نشریه تورک تاریخ انجمنی مجموعه سی گسترده‌تر آمده است.^۱

مذهب خان احمد دوم

هر چند او در نامه‌های خود، که رایینو و نوایی از روی نسخه کتابخانه سپهسالار چاپ کرده‌اند، از زیدیان بد گفته و از تشیع دوازده امامی دفاع کرده است؛ لیکن همبندشدن او با اسماعیل دوم در دژ قهقهه و آزادشدن او به دست این اسماعیل که تسنن را به دست میرمخدوم ناصی به ایران بازگردانیده، و پس از یک سال با شورش مردم برافتاد و نیز ارتباط گرفتن خان احمد با عثمانیان که در تذکره شاه تهماسب یاد شده، نشان از سنی‌زدگی او است؛ یا دست کم تظاهر او به گنوسیستی کمتر از صفویان بوده است.

شخصیت علمی خان احمد دوم و آثار باقیمانده او

صادقی کتابدار (۹۴۰ق) می‌گوید: خان احمد پادشاه مهمترین سلاطین مرزبان کشور ایران است. او از موسیقی، حکمت، هیأت آگاه است. اقسام ساز را می‌نوازد. هنرمندان، معرکه‌گیران، کشتی‌گیران، شمشیربازان، شاطران، شیربانان را گرامی می‌دارد.^۲

^۱ تاریخ الدولة الاسلامیة، دکتر احمد سعید سلیمان، برگه ۳۰۸.

^۲ مجمع الخواص، صادقی کتابدار (۹۴۰ - ۱۰۱۹ق / ۱۵۳۳ - ۱۶۱۰م) چ خیامپور، ص ۱۲؛ ذریعه، ج ۹، ۲۸۶.

عبدالله افندی نیز همان دانش‌ها را به وی نسبت داده و گوید: او سید حسینی شریف و پشت در پشت پادشاه بود^۱. خان احمد با دانشمندان هم روزگار خود نامه‌های علمی داد و ستد می‌داشت که برخی از آن‌ها در کتابخانه سپهسالار به شماره ۷۵۱۸ و مجلس به شماره ۶۰۶ هست و رابینو تعدادی از آن‌ها را در پایان کتاب تاریخ گیلان مرعشی چاپ کرد^۲، و سپس دکتر عبدالحسین نوایی همه آن‌ها را در کتاب خود شاه تهماسب بگنجاند. شماری از آن‌ها در ردّ زیدیان و دفاع از دوازده امامیان است.

خان احمد درباره قدم و حدوث عالم، که مورد بحث روز در سده دهم و یازدهم بود و جنبه سیاسی آن را نیز خواهیم دید، پرسش‌هایی از محمد نوربخش کرده و وی بدان‌ها پاسخ گفته است. معرفی نسخه‌های این پاسخ که به فارسی است در ذریعه، ج ۲۲، ش ۶۵۵۵، دیده می‌شود. او پرسش‌های علمی دیگر نیز از شیخ بهایی داشته که افندی آن‌ها را یاد می‌کند^۳.

آثار علمی خاندان کارکیا

گروهی از دانشمندان پرورش‌یافته دوره این خاندان

الف) نام برخی از دانشمندان که در سایه این خاندان آثاری پدید آورده‌اند و بر جا نهاده‌اند:

۱- محمد فرزند عبدالخالق فرزند معروف

او یکی از معتبرترین فرهنگ‌نامه‌های عربی به فارسی را در سده نهم برای خاندان کارکیا به نام کنز اللغات که برای تخفیف بدان کنز اللغة گویند، فراهم کرد و در پیش‌گفتار از محمد پسر ناصر کارکیا و فرزندش علی که ولیعهد او بود، یاد کرده است.

^۱ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء میرزا عبدالله افندی (۱۰۶۶-۱۱۳۰ق)، نسخه خطی کتابخانه ما در نجف، به نقل زنده‌یاد پدرم در ذریعه، ج ۹، ۲۸۶ و طبقات اعلام الشيعة، سده ۱۱، برگه ۳۲-۳۴.

^۲ ذریعه، ج ۲۴، ۲۶؛ ج ۹، ۲۸۶؛ فهرست سپهسالار، ج ۵، ۷۰۲.

^۳ ریاض العلماء، ج ۵، ۹۵.

محمد دوم در ۸۲۵ق بزاد، در ۸۵۱ق بر تخت نشست و در ۸۸۳ق درگذشت و پسرش علی دوم بر جای وی بنشست. صاحب هدیه العارفین گوید: مؤلف این کتاب را پیرامون سال ۸۷۰ق نگاشته است. این کتاب چندین بار چاپ شده و هنوز نیز در مدارس قدیم مورد استفاده است.^۱

۲- علی پسر شمس‌الدین پسر حسین

او کتاب تاریخ خانی را درباره تاریخ گیلان به ویژه خاندان کارکیا نگاشت. در محرم ۹۲۱ق بدان آغاز کرد و در صفر ۹۲۲ق به پایان رسانید و در آن به همکاری قلمی احمدخان اول با او در نگارش این کتاب اشارت دارد. احمد اول (شاه ۹۱۱ - ۹۴۰ق) پسر حسن اول و پدر حسن دوم است که او پدر خان احمد دوم معروف (شاه ۹۴۳ - ۹۹۹ق) است.^۲

۳- عبدالحسین قاری

او در سال ۹۶۷ق^۳ به درخواست خان احمد شرحی بر کتاب ناسخ و منسوخ قرآن، تألیف احمد متوج بحرینی نگاشت.^۴

۴- رفیع‌الدین حسین رضوی لنگرودی

او در شوال ۹۷۱ق حبه را که درباره قانون ارث فتووالی پسر بزرگ خواننده است، برای خان احمد نگاشت.^۵

^۱ فرهنگنامه‌های عربی به فارسی، علینقی منزوی، ۱۶۸؛ فهرست دانشگاه، ج ۲، ۴۳۹؛ ذریعه، ج ۱۸، ۱۶۴.

^۲ ذریعه، ج ۳، ۲۵۱؛ استوری، ش ۴۸۲.

^۳ این تاریخ در ذریعه ۹۷۶ق آمده است؛ لیکن در ماده تاریخ تألیف، که در «فوائد و بحر هنر» است، اگر همزه «فوائد» را یک بشمریم می‌شود ۹۶۷ق و اگر بیا ده شمرده آید، می‌شود، ۹۷۶ق و چون خان احمد در ۹۷۵ق به زندان افتاده است، ۹۶۷ق درست باشد.

^۴ ذریعه، ج ۱۴، ش ۱۸۸۸؛ ج ۲۴، ش ۴۸.

^۵ ریاض العلماء، ج ۲، ۷۸؛ ذریعه، ج ۶، ۲۴۲.

۵- میرقاری گوکه‌ای

نام او در ذریعه به صورت «کوبی» معرب شده است، یکی از دانشمندان بزرگ دربار کارکیا بود او کتاب زبدة الحقایق را در ربیع دوم سال ۱۰۰۰ ق برای خان احمد نگاشت^۱.

دکتر نوایی، نامه او را که در شفاعت از ملاسلیمان زیدی، به درگاه خان احمد نوشت، در مجموعه اسناد شاه تهماسب صفوی، صص ۱۰۷-۱۰۹ چاپ کرده است.

این دانشمند پس از واژگون شدن خاندان کارکیا مطالب العشاق را در جمادی دوم سال ۱۰۰۲ ق برای فرهادخان سپهسالار زمان شاه عباس نگاشت که نسخه‌اش در کتابخانه وزیر یزد، دانشگاه تهران و نیز در پاریس موجود است^۲.

او به سال ۱۰۱۶ ق شرحی نیز بر نصاب نگاشته که نسخه آن در دانشگاه هست^۳.

وی در این کتاب از چهل و دو نگاشته خود در فلسفه و ریاضی و نجوم نام برده است و می‌نالد که در اثر ناتوانی از استخدام دستیار ناگزیر است، همه آن‌ها را خود پانویس کند. زندگی‌نامه او در طبقات أعلام الشیعة، سده یازدهم هجری، ص ۵۹۳ نیز آمده است.

به نوشته فرهنگ جغرافیایی گوکه *Goke* نام دیهی در لاهیجان است.

۶- مجتهد کرکی حسینی (د: ۱۰۰۱ق)

کتاب دفع المناوات را نخست به نام خان احمد گیلانی نگاشت و پس از شکست او، مقدمه آن را به نام شاه تهماسب تبدیل کرد.

^۱ ذریعه، ج ۴، ۲۱۴؛ ج ۱۲، ۲۴.

^۲ فهرست کتابخانه وزیر یزد، ج ۲، ص ۵۲۶؛ فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱۲، ۲۵۶۶؛ ذریعه، ج ۲۱، ۱۳۹.

^۳ فهرست دانشگاه تهران، ج ۱۳، ۳۱۱۶.

این مجتهد کتاب‌هایی دیگر نیز به نام خان احمد داشته است، مانند النفحات الصمدية في أجوبه المسائل الأحمديّة که به سال ۹۹۷ق در پاسخ به پرسش‌های خان احمد نگاشته است و در برخی از نسخه‌ها به نام النفحات القدسیّة دیده می‌شود^۱، شاید نام این کتاب نیز پس از شکست خان احمد تعویض شده باشد که در ریاض العلماء (ج ۲، ۶۲ - ۷۴ چاپی) هیچ اثری از نام پیشین آن دیده نمی‌شود.

۷- فغفور گیلانی محمدحسین پسر احمد لاهیجی (د: ۱۰۲۹ق)

ریاضی‌دان، فیلسوف، موزیسین چینی نواز و شاعری دارای دیوان در دربار احمد دوم بود، پس از شکست احمد به ترکیه گریخت، سپس به اصفهان بازگشت، ولی نتوانست بماند و به هند رفت و محترم بماند تا درگذشت^۲.

۸- حسام‌الدین لاهیجانی کارکیا پسر یحیا

وی فیلسوفی است که گویا از افراد خود این خاندان بود و پس از شکست و پراکندگی ایشان در اصفهان، به داد و ستد علم و فلسفه بسنده کرد. چند اثر فلسفی و عرفانی زیر از وی در دست است.

I) توضیحات، این کتاب در ۲۵ برگه توضیح، ۱۱ برگه اضافه، ۲ نکته، ۲ حقیقت، ۲ برهان مرتب شده است.

چندین نسخه آن در ذریعه، نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی معرفی شده است^۳.

II) گزارشی بر قصیده ناصر خسرو^۴.

III) مراحل النفوس در ۱۲ مرحله^۵.

^۱ ذریعه، ج ۸، ۲۳۲؛ ج ۲۴، ۲۴۸.

^۲ ذریعه، ج ۹، ۸۴۰.

^۳ ذریعه، ج ۱۱، ۱۵۸؛ ج ۲۶، ش ۱۲۲۵؛ نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی ص ۱۱۰۵.

^۴ ذریعه، ج ۱۳، ۹۱.

^۵ ذریعه، ج ۲۰، ۲۹۵.

(IV) مسالک در یک پیش‌گفتار، چهار مقام و یک خاتمه است.^۱

سرایندگان دوره خاندان کارکیا

(ب) نام برخی از شاعران که در دربار کارکیا شعر سروده‌اند:

۱- دافع لاهیجی، محمد صالح

او از سپهسالاران خان احمد بود و شعر می‌سرود و پیش‌تر «صالح» تخلص داشت. او پس از شکست خان احمد، به هند رفت و سپس بازگشته، ملازم پسر شاه عباس شد.^۲

۲- راغب تبریزی، کلب‌علی

پس از کشتار تبریز به خان احمد پناهنده شد، او را می‌ستود، سپس او را نیز هجو کرد و بگریخت.^۳

۳- عهدی باکویی (د: ۹۶۵ق)

شاعر، خوشنویس بود، به دربار خان احمد آمده شعر می‌سرود و در ۹۶۵ق درگذشت.^۴

۴- غریبی کاشی

ملک الشعراء دربار خان احمد بود.^۵

۵- غنی لاهیجی

مسگر بود و چون ذوق شعر نشان داد، به دربار خان احمد کشیده شد.^۶

^۱ ذریعه، ج ۲۰، ۳۷۶.

^۲ ذریعه، ج ۹، ۳۱۴ از تذکره نصرآبادی.

^۳ ذریعه، ج ۹، ۳۴۸.

^۴ ذریعه، ج ۹، ۷۷۶، از دانشمندان آذربایجان؛ و نتایج الأفكار.

^۵ مجمع الخواص، صادقی کتابدار، ۲۲۷؛ ذریعه، ج ۹، ۷۸۷.

^۶ مجمع الخواص، صادقی کتابدار، ۲۳۸؛ ذریعه، ج ۹، ۷۹۳.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۱۰

۶- کامی لاهیجی

منشی سلطان احمد خان بود.^۱

۷- محمود گیلانی

او از سرداران خان احمد بود. سام میرزا شعر او را در تذکره سامی آورده است.^۲

۸- نظر گیلانی، شاه نظر پسر حسن شکوری نقیب

مثنوی مشرق الانوار را در سه هزار بیت به سال ۹۵۵ ق برای خان احمد سروده است.^۳ نسخه اصل آن نزد جواد نجومی در کرمانشاه است.

۹- فتح نامه‌ها

به جز شعرهای شاعرانی که درباره این خاندان است، باید از فتح نامه‌های جنگی یاد نمود که چند شماری از آنها تا امروز باقی است و دو تای آنها برای سلطان محمد کارکیا نگاشته شده است.^۴

گوشه‌ای از علل سقوط خاندان کارکیا و پیروزی صفویان

برای آن که به اسبابی پی ببریم که صفویان توانستند بیش از خاندان کارکیا توجه مردم ایران را جلب نمایند، باید به نکات زیر توجه بشود:

^۱ مجمع الخواص، صادقی کتابدار، ۵۷؛ ذریعه، ج ۹، ۹۰۶.

^۲ ذریعه، ج ۹، ۱۰۱۲؛ تذکره سامی، سام میرزا، برگه ۷۵.

^۳ ذریعه، ج ۲۱، ۴۸.

^۴ ذریعه، ج ۱۶، ۱۱۰؛ فهرست کتابخانه دانشکده ادبیات، تهران، برگه ۴۵۳، ۲۱۷، ۲۱۶.

ایران میان دو یورش عرب و مغول

الف) مردم ایران میان دو یورش عرب و مغول: مردم سراسر ایران، پس از اندکی مقاومت برابر تازیان در دو سده نخستین، تسلیم شده و دین مقدس اسلام را به صورت گنوسیستی آن، بر پایه «توحید اشراقی» که مبنای باورهای نیاکانشان بود، پذیرفتند، پس بدین گونه^۱ در برابر مذهب سنی حاکم که بر پایه توحید عددی یهود و ملل سامی نژاد دیگر، استوار بود، مقاومت می‌کردند.

گنوسیسم اسلامی ایران در آن دو سده به صورت‌های گوناگون؛ مُرجیان، قَدَریان، جَهمیان، معتزله و غلات شیعه خودنمایی می‌کرد.

روشنفکران ایرانی که خواهان بازگشت استقلال کشور بودند همواره از گنوسیسم اسلامی به صورت اسلامی ایدئولوژیک برای رفض و طرد عرب از ایران استفاده می‌کردند. از دیده خلیفگان عرب، گنوسیسم اسلامی حتی بخش‌های خالی از رفض آن‌ها، کفر به شمار می‌آمد و پیروانش مانند بُزِیغ و حلاج که خود را مسلمان می‌دانستند، زنده‌سوز، کشته؛ یا دست‌کم در به‌در می‌گردیدند.

غزالی و آشتی دو اسلام گنوسیستی و سنی، در سده پنجم

غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق) با نشر آثار خود توانست، گنوسیسم اسلامی را از رفض عرب جدا کند و بخش خالی از رفض را به دربار عباسی بقبولاند. غزالی با این کار توانست گنوسیست‌های مسلمان را که در کوه‌ها، از قاینات تا الموت، برای طرد عرب به سلاح ایدئولوژیک «گنوسیسم اسلامی» مسلح شده بودند، تقریباً خلع سلاح کند و یم سده و نیم بر عمر خلافت عرب در ایران بیفزاید.

اگر آثار غزالی نبود، چه‌بسا الموتیان با همین سلاح ایدئولوژیک «گنوسیسم اسلامی» که روزبه‌روز بیشتر در میان مسلمانان گسترش می‌یافت، خلافت سنی عباسی را برمی‌انداختند.

^۱ متن مقاله: - بدین گونه.

آثار غزالی از یک سو دربار عباسی را گنوسیسم‌زده کرد و از سوی دیگر، دربار گنوسیسم‌زده عرب را برای ایرانیان تحمل‌پذیرتر ساخت و ایرانیان را از همکاری بیشتر با الموتیان دور کرد.

ایران پس از سقوط بغداد به دست مغولان تا آمدن صفویان

(ب) مردم ایران پس از سقوط بغداد به دست مغولان تا آمدن صفویان

ترکان به جای عرب‌ها

سقوط تسنن قشری و توحید عددی مادی در بغداد، عرب را نزد ایرانیان گنوسیست مسلمان از صورت ملت حاکم و تحمیل‌کننده مذهب قشری سنی بیرون آورد. این سمت را از این تاریخ به بعد، ترکان بر عهده گرفتند که از سده سوم هجری به بعد به دست همان خلیفگان عرب، از آسیای میانه به خاوران کشیده شدند و به هنگام ورود، ایشان را به مذهب سنی حاکم درآورده بودند تا بتوانند با گنوسیسم اسلامی ایرانیان مبارزه کنند.

ترکان مهاجر در براندازی دولت سامانیان گنوسیست خراسان در سده چهارم هجری و دولت بویه‌بیان نیمه گنوسیست در سده پنجم هجری در بغداد، نشان داده بودند که در هنرشکنی، کتاب‌سوزی و دفاع از تسنن قشری دست‌کمی از عرب‌ها نداشته‌اند. اینک مغولان، که از خود تمدنی نداشتند پس از گذشت کمتر از نیم قرن از چیرگی ایشان بر بغداد، گنوسیسم اسلامی را پذیرفته، حکومت شیعی غازی تشکیل دادند و ترکان که چند سده دفاع از تسنن را از عباسیان آموخته بودند، در این سمت جانشین عرب‌ها شدند.

تیموریان هم که در دفاع از تسنن، گنوسیسم سامانی و بویه را برانداخته بودند، نتوانستند برای همیشه در برابر ایده گنوسیسم اسلامی ایرانی ایستادگی کنند.

تیموریان پس از آن که از دیگر شهرهای ایران رانده شدند، به خراسان بسنده کرده، کم‌کم در هرات به علم و هنر گنوسیستی کشانیده شدند.

ساختمان‌های زیبای مزار شریف در هرات، طفلان مسلم در سرخس، مسجد گوهرشاد و بارگاه امام رضا(ع)، نمونه‌های هنر مذهبی ایشان است و تذکره شاعران مجالس النفایس، مجالس العشاق و نفحات الأرض، نمونه‌های ادبی گنوسیسم آن دوره است.

در کردستان، ترکان قره‌قوینلو و آق‌قوینلو، مانند تیموریان خراسان، گنوسیسم ایرانی را تا اندازه‌ای پذیرفته بودند و برخی از ایشان مانند اسپندمیرزا (د: ۸۴۸ق) پسر قره‌یوسف (۷۵۵ - ۸۴۱ ق) پس از برپا کردن مجلس مناظره برای احمد ابن فهد حلّی (۷۵۷ - ۸۴۱ ق) ضدّ سنیان در سال ۸۴۰ ق، تشیع دوازده امامی را مذهب رسمی کشور خود ساختند و به نام دوازده امام سکه زدند.

این مجلس در بسیار جهات همانند مجلسی است که اولجایتوی مغول به سال ۷۰۷ ق برای علامه حلّی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق) ساخت و مذهب دوازده امامی را مذهب رسمی ایلخانی اعلام نمود که پیشینه آن‌ها را باید در مجلس آل‌بویه جستجو کرد و ابن‌اثیر از آن یاد کرده است.

هدف مشترک این سه مجلس استفاده دولت وقت از حصر مسایل مذهبی (حق الله) در دست فقیهان و واگذاری مسائل مدنی (حق الناس) به دست «اهل حلّ و عقد» می‌بود.

برای آگاهی بیشتر از مجلس ابن‌فهد، نک: احوال او در مجالس المؤمنین قاضی نورالله، لغتنامه دهخدا و نامه دانشوران، و برای مجلس علامه حلّی نیز احوال وی در مقدمه ایضاح المقاصد، چ منزوی^۱.

این هدف حدّ وسطی بود در میان تشیع و تسنن که نه با فتوای شیعیان رادیکال غالی، مانند اسماعیلیان که همیشه امام خود را حاضر و واجب‌الاطاعه می‌شمردند، قابل تطبیق بود، نه با فتوای سنیان که خلیفه وقت را اولی‌الأمر و طبق قرآن واجب‌الاطاعه می‌دانستند.

^۱ ایضاح المقاصد، علامه حلّی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق)، تصحیح و مقدمه‌نگاری علینقی منزوی، تهران، ۱۳۳۷ خ.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۱۴

علامه حلی در سده ۸ هجری و احمد بن فهد حلی در سده ۹ چنان در تفکیک «حق الله» از «حق الناس» اصرار داشتند که علامه حلی برای اجرای آن «مدرسه سیاره» را ساخت که همیشه با ۴۰۰ طلبه همراه سپاه امیر در حرکت بود، و ابن فهد، محمد مُشعشعی، شاگرد خود را، که حکومت رادیکال مُشعشعی را در خوزستان تأسیس کرد، تکفیر کرد و حکم هدر بودن خون او را برای اسپندمیرزا داد.

استان‌های ایران در سده نهم

ج) استان‌های ایران در سده نهم: در این سده به جز خراسان و کردستان، که به دست ترکان بود، استان‌های دیگر هر یک به دست یکی از خاندان‌های محلی به صورت خان‌خانی و اقتصادی تقریباً فئودالی اداره می‌شد.

مازندران را مرعشیان، گیلان را خاندان کارکیا، آذربایجان را صفویان و خوزستان را مُشعشعیان می‌چرخانیدند، و هر یک از ایشان برای خرسندی توده‌های مردم ایران که همگی اسلام را به صورت گنوسیستی باور می‌داشتند، چنان که در باره خاندان کارکیا دیدیم، برای خود نسب‌نامه ساخته، خود را فرزندان پیامبر می‌شناساندند.

مذهب حاکم بر مُشعشعیان خوزستان غلو (نوعی گنوسیسم رافض تندرو) بود، اینان مانند اسماعیلیان رئیس مدینه فاضله را امام معصوم می‌دانستند که فارابی او را انسان کامل دارای پیوند با عقل فعال نامیده و به گفته ساسانیان دارای فره ایزدی است.

مذهب صفویان گنوسیسم بی‌رفض (سُنی صوفی‌مآب) بوده و فرمانروایان مازندران و گیلان زیدی بودند، و چنان که گذشت ایشان در اصول رافض خلافت عرب بودند، ولی در فروع از امامان سُنی تقلید می‌کردند.

وجه مشترک همگی این خاندان‌ها و همه ایرانیان در سراسر تاریخ اسلام، گنوسیسم اسلامی (اسلام برپایه توحید اشراقی) بود که اثبات امامت و رفض خلافت به صورت‌های نرم یا تندرو با درجات گوناگون در آن نهفته بود. این رفض پس از سقوط خلافت بغداد به سال ۶۵۶ ق به دست مغول، چندان صدایی نداشت تا این که سُم ستوران خلافت عثمانی کردستان را لگدمال کرد و به مرزهای آذربایجان رسید و همین خطر برای گردآوردن ایرانیان بسنده بود.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۱۵

اینک کدام یک از خاندان‌ها با عقاید گوناگون گنوسیستی که بر بخش‌هایی از کشور ایران حکومت داشتند، برای رهبری همه ایران شایسته‌تر می‌بود؟

مشکلات عقیدتی ضعیف‌کننده فرقه‌ها

مشکلات عقیدتی که موجب ضعف برخی از فرقه‌ها شد: هر چند گنوسیسم اسلامی صفت وحدت‌بخش همگی ایرانیان در سراسر تاریخ اسلامی بود، ولی برخی از مشکلات عقیدتی برای گروهی از آن‌ها موجب برتری رقیب او می‌گردید، مثلاً تعمیم‌های عامیانه که برخی از غلات به باور «عصمت پیشوا» می‌دادند، دشواری‌هایی برای ایشان پدید می‌آورد، اگر اثبات آن عصمت برای درگذشتگان آسان باشد، برای انسانی که دست‌اندرکار حکومت کردن بر مردم است کاری ساده نبود. این مشکل برای دوازده امامیان معتقد به غیبت امام از آغاز سده چهارم هجری حل شده بود، ولی برای غلات مُشعّعی مانند اسماعیلیان حل نشده مانده بود و موجب ضعف ایدئولوژیک ایشان در برابر رقیب می‌گردید.

فرمانروای مُشعّعی که چشمان برادران و پدر خود را کور کرد، چگونه می‌توانست عصمت^۱ خود را برای مردم اثبات کند؟ برای آگاهی بیشتر از جنایات‌های این معصومان، تاریخ مُشعّعیان دیده شود و بدین شکل به اسباب شکست یکی از رقیبان بزرگ صفویان که جنوب و باختر ایران و جنوب عراق را در دست داشتند پی می‌بریم.

رقیب دیگر صفویان، زیدیان شمال بودند. هر چند رفض خلافت در میان ایشان، بیش از صفویان پیشینه داشت؛ لیکن نرمش و سنی‌زدگی تا حدّ تقلید از امام سنی خطر آن داشت که زیدیان با خلیفگان عثمانی همان راه روند که با عباسیان داشتند. خاندان کارکیا خود بدین خطر پی برده بود و از احمد اول (پادشاه ۹۱۱ - ۹۴۰ق) به مذهب دوازده امامی در آمدند^۲.

^۱ شاید برای گریز از همین مشکلات بود که عبدالمطلب مُشعّعی نخستین تن از این خاندان بود که دوازده امامی و عصمت را منحصر به همان چهارده معصوم دانست (طبقات اعلام الشيعة، سده یازدهم، برگه ۳۵۷).

^۲ طبقات اعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی، سده یازدهم هجری، برگه ۳۲.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۱۶

که هم رفض کامل‌تر از زیدیان داشت و هم امامی حاضر که مزاحم شاه و دولت وقت باشد، در میانشان نبود و از آن تاریخ بود که خاندان کارکیا در گردانیدن مردم شمال به دوازده امامی کوشش بسیار کردند.

احمد دوم در یکی از نامه‌هایش در پاسخ شفاعت‌نامه‌ای که میرجلیل قاری به خان احمد نگاشته و از ملاسلیمان شفاعت نموده بود، ملاسلیمان و ملامحمود را «زیدیان سگ‌سیرت و ملعون» خوانده و می‌گوید: اگر اینان تظاهر و تجاوز نکنند، با مذهبشان کاری نداریم و این شعر حسن بایقرا (د: ۹۱۱ق) پادشاه تیموری هرات را که مانند کارکیا شیعی شده بودند، به گواه آورده است که:

ما به محبان علی و عمر
هیچ نگوییم ز خیر و زشر!
حشر محبان علی با علی
حشر محبان عمر با عمر!^۱

شاید نویسنده این شفاعت‌نامه میرقاری باشد که زبده الحقایق را به تاریخ سال ۱۰۰۰ق به نام خان احمد نگاشته است.^۲ چنان که می‌بینیم کارکیاها نیز مانند صفویان به برتری مذهب تشیع پی برده به جانشین کردن تشیع بر جای زیدی‌گری پرداخته بودند؛ بنابراین، یورش‌های شاه تهماسب و شاه عباس بر این خاندان جز بیم از نفوذ معنوی خاندان کارکیا که در سده ۹هـ به دست آورده بودند، دلیلی ندارد. ده‌ها مؤلف و شاعر، ده‌ها مجلد کتاب و هزارها بیت شعر، پیش از صفویان برای تشیع در سایه خاندان کارکیا نگاشته و سروده شده بودند و صفویان از این بیم داشتند.

بنابر آن چه گذشت، در آغاز سده ۱۰هـ اکثریت حکومت‌های محلی ایران بدین نتیجه رسیده بودند که خلافت عثمانی خطر نابودی خردگرایی و بازگشت جامعه به دوران جمود علمی و خفقان مذهبی سنیان عباسی را در بردارد و باقیمانده آثار ملیت ایرانی را که از چنگ عرب و مغول‌رهایبی یافته بود را نیز به نابودی تهدید می‌کند.

^۱ نک: شاه تهماسب صفوی مجموعه اسناد. عبدالحسین نوایی، برگه ۱۰۷ - ۱۰۹.

^۲ ذریعه، ج ۱۲، برگه ۲۴ - ۲۵.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۱۷

برای نجات خردگرایی و پیشبرد آن، راهی جز ایستادگی در برابر عثمانیان نیست و این نیز تنها در پرتو مذهب تشیع دوازده امامی تواند بود که از طرفی رافض خلافت و قدرت خارجیان است و از سوی دیگر امام مطلق العنان اسماعیلیان و غلات را ندارد.

هنگامی که عثمانیان در ۸۵۷ق / ۱۴۵۳م استانبول را گرفتند، برتری خواهی ایشان را به طمع خلافت جهانی انداخت. ایشان مردی را در مصر به نام «المتوکل علی الله» یافتند که مدعی بود؛ یا وادار شد که ادعا نماید نواده خلفگان عباسی است. او را به استانبول برده حق خلافت را از وی خریداری کردند و «هلال» را که تا آن روز نشان مسیحیان روم بود بر پرچم خلافت نوخرید زدند.

سپاه این خلیفه از سوی باختر در سال ۹۳۶ق به دروازه‌های شهر وین در دل اروپا رسید^۱ و چون در آن جا با مقاومت برخوردند، روی به خاور نهادند.

سلطان سلیم اول همه آسیای صغیر و بین‌النهرین را تا سال ۹۲۳ق بگرفت و هم‌مرز آذربایجان شد که در دست صفویان بود.

صفویان تا آن روز مذهب اسلام گنوسیستی بی‌رفض خلافت عرب، همان راهی را که غزالی برای آشتی دادن گنوسیسم اسلامی و تسنن عرب ساخته بود، گرامی می‌داشتند.

این مذاهب، پس از انقراض خلافت عرب و پیش از تأسیس خلافت عثمانی (سال‌های ۶۵۶ - ۸۵۷) برای ایرانیان خطری بزرگ در بر نمی‌داشت، چون خلافتی در میان نبود تا خطر چیرگی آن بر ایران در میان باشد، پس بسیاری از ایرانیان بدان گرویده بودند؛ لیکن پس از رسیدن سپاه ترک عثمانی به مرز آذربایجان، صفویان احساس کردند که پس از این، تنها با گنوسیسم بودن راضی، در برابر نیروی خلافت نوپای عثمانی مقاومت نتوان کرد.

دکتر علی نقی نیشزوی

^۱ تاریخ الدول الاسلامیة، ۴۴۳.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۱۸

ایشان برای جبران این کمبود، نه تنها رفض را از ایرانیان^۱ واگرفتند؛ بلکه به تقلید دیگر خاندان‌های ایرانی چون، مرعشیان و کارکیا، نسب صفوی را که مخلوطی از ترک و گُرد بود به خاندان پیامبر(ص) رسانیدند و با دستبرد در کتاب صفوة الصفاء تألیف ابن‌بزاز^۲ و تغییردادن آن، نسب نوین سیدی خود را تثبیت کردند و بدین شیوه با حمایت ایرانیان جلو یورش عثمانیان را گرفتند که خود موضوعی دیگر و بحثی دیگر است.

دکتر علی‌نقی نیشزوی

^۱ صفویان رفض را از ایرانیانی وام گرفتند که دو سده پیش از صفویان گنبد و بارگاهی به یاد بود فیروز ابولؤلؤ، کشنده عمر، در فین کاشان ساخته و بنای یاد بود برای «زرافه» براندازنده متوکل عباسی در شفت گیلان ساخته بودند (طبقات، سده یازدهم، ۳۴).

^۲ ذریعه، ج ۱۵، ش ۳۲۴.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، چارلز آمبور استوری، ترجمه به روسی: یوری. آ.برگل، ترجمه به فارسی: یحیی آربن پور و دیگران، تحریر احمد منزوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲خ.
- ایضاح المقاصد من حکمة عين القواعد، شرح حکمة العين، دبیران کاتبی قزوینی، شرح از علامه حلی جمال الدین ابومنصور حسن فرزند یوسف (۶۴۸ - ۷۲۶ق)، تصحیح و مقدمه نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، تهران، ۱۳۳۷خ.
- تاریخ الدولة الاسلامیة، دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلام، احمد سعید سلیمان، چاپ ترکیه؛ دیگر: انتشارات رایزن.
- تاریخ بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (*Vasily Vladimirovich Bartold*) معروف به ویلهلم بارتلد، (۱۸۶۹ - ۱۹۳۰).
- تاریخ خانی، علی پسر شمس‌الدین پسر حسین (تألیف: ۹۲۲ق) با همکاری قلمی احمدخان اول (د: ۹۴۰ق)
- تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد فرزند حسن (تألیف ۶۱۳ق) + اولیاءالله آملی (تألیف ۷۶۰ق)، تصحیح و مقدمه نگاری عباس اقبال، دو جلد، تهران، ۱۳۲۰خ.
- تاریخ عالم‌آرای عباسی، اسکندربیک ترکمان (۹۶۸ - ۱۰۴۳ق)، ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، چ ۲، ۱۳۵۰خ.
- تاریخ مشعشعیان، احمد کسروی، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۸خ.
- تاریخ گیلان، ملاعبدالفتاح فومنی گیلانی (ز: ۱۰۳۸ق)، تصحیح برنهارد و ملامحمدجعفر اهری، چاپخانه آکادمی سلطنتی پترزبورگ، ۱۲۷۴ق؛ دیگر: تصحیح منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹خ.
- تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی علیقلی فرزند محمدعلی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴خ.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰-۹۹۹ق)

۲۰

- تذکره سامی، تحفه سامی، سام میرزا صفوی، تصحیح وحید دستگردی، مطبعه ارمغان، تهران، ۱۳۱۴؛ دیگر: احمد مدقق یزدی، انتشارات سامی، تهران، ۱۳۸۹خ.
- تذکره شاه تهماسب، شاه تهماسب یکم (۹۱۹ - ۹۸۴ق / ۱۵۱۴ - ۱۵۷۶م)، به دستور ابوالفتح سلطان محمد میرزا الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان، برلین ۱۲۱۲ق؛ کلکته ۱۳۳۰ق / ۱۹۲۴؛ تصحیح عبدالشکور، برلین ۱۳۰۳خ / ۱۹۲۴.
- تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، چاپ احمد مدقق یزدی، یزد، ۱۳۷۸خ؛ دیگر: مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران، ۱۳۷۸خ.
- تذکره نتایج الأفكار، محمد قدرت الله خان گوپاموی (۱۱۹۹ - ۱۲۸۱ق)، چاپ سنگی، هند؛ دیگر: تصحیح یوسف بیگ باباپور، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۷خ.
- تورک تاریخ انجمنی مجموعه سی، چ ۱۳۴۱ق.
- توضیحات، حسام الدین لاهیجانی کارکیا پسر یحیا (سده ۱۱هـ).
- جامع الدول، تاریخ عثمانی سالهای ۱۲۹۹ - ۱۴۸۱م، عبدالله فرزند لطف الله منجم باشی، تصحیح احمد اغیر آغچه؛ تاریخ الدولة العثمانية ۶۹۸ - ۱۰۸۳ق / ۱۲۹۹ - ۱۶۷۲م
- حبوه، رفیع الدین حسین رضوی لنگرودی (تألیف: ۹۷۱ق)
- خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰-۹۹۹ق)، دکتر علی نقی منزوی، گیلان نامه، جلد دوم، مجموعه مقالات گیلان شناسی، به کوشش م. پ، جکتاجی، رشت، انتشارات طاعتی، ۱۳۶۹خ، برگه ۵۱۴-۴۲۵.
- دانشمندان آذربایجان، غلامرضا طباطبایی مجد، محمدعلی تربیت، انتشارات زعب و نشر، تهران، ۱۳۷۸خ.
- دفع المناوأة عن التفضیل و المساواة، حسین فرزند ضیاء الدین ابوتراب حسن موسوی، مجتهد کرکی حسینی (د: ۱۰۰۱ق)، نسخه خطی، شماره بازیابی ۱/۳۹۸۸، شماره مدرک کتابخانه مجلس IR10-36539.
- دولت‌ها و سلسله‌های حاکم بر قلمرو اسلام، دکتر احمد سعید سلیمان، انتشارات رایزن.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۲۱

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث، البائيه الحميريه - التحيه المباركه، آقابزرگ تهرانی، مطبعه الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۷ خ / ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعه القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثامن، دائره - دیو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹ خ / ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثامن عشر، کشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني و العشرون، المقالید - المنتخب، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۳ خ / ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۴ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني، الأسارى و الغلول - ایوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۵ خ / ۱۳۵۵ ق / ۱۹۳۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني عشر، الزائريه - سیه کاران، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ خ / ۱۳۸۰۶ ق / ۱۹۶۲ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبين - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۵۱ خ / ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الحادي عشر، رساله آب حیات - الزائريه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۲۲

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع و العشرون، نأیبه - نیه، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع عشر، شرح قصيدة ابن الفارض - الشینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الآداب، نجف، عراق، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م؛
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس و العشرون، ذیل الذریعة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد اشکوری حسینی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۸ خ.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس، الحائریات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵ خ / ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الاول من الجزء التاسع، دیوان آئینه - دیوان دیهیم، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، مجلس شورا، تهران، ۱۳۳۳ خ / ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثالث من الجزء التاسع، دیوان عبدالصمد - دیوان مینوی همدانی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ خ / ۱۳۸۳ ق / ۱۹۶۴ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، القسم الثاني من الجزء التاسع، دیوان ذاتی - دیوان عبدالصمد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، چاپخانه دولتی، تهران، ۱۳۳۸ خ / ۱۳۷۸ ق / ۱۹۵۹ م.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰-۹۹۹ق)

۲۳

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، القسم الرابع من الجزء التاسع، دیوان نائب - دیوان یونس، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۷ م.
- الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، تصحیح و مقدمه نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ خ.
- رياض الشعراء، علیقلی واله داغستانی، نسخه خطی موزه بریتانیا، ش ۱۶۷۲۹، گ ۸۴، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۳۷۲.
- رياض العلماء و حياض الفضلاء میرزا عبدالله افندی (۱۰۶۶-۱۱۳۰ ق)، نسخه خطی کتابخانه شیخ آقابزرگ تهرانی، نجف.
- رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبدالله فرزند عیسی فرزند محمد صالح اصفهانی جیرانی (۱۰۶۶ - ۱۱۳۰ ق)، ذکاوتی قراگوزلو، نشر دانش، تهران، ۱۳۶۳ خ.
- ریشه‌ها و اندیشه‌ها؛ مقاله‌هایی در تاریخ و اندیشه ایرانیان، علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، به کوشش غلامحسین صدری افشار، انتشارات مهریستا، ۱۳۹۷ خ.
- زبدة الحقایق، میرقاری گوکه‌ای «کوکبی» (تألیف: ۱۰۰۰ ق)
- شاه طهماسب صفوی، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی، عبدالحسین نوایی، انتشارات ارغوان، تهران، ۱۳۶۸ خ.
- شرح قصیده ناصر خسرو، حسام‌الدین لاهیجانی کارکیا پسر یحیا (سده ۱۱ هـ).
- شرح ناسخ و منسوخ قرآن، تألیف احمد متوج بحرینی، شارح عبدالحسین قاری (تألیف: ۹۶۷ ق).
- شرح نصاب، میرقاری گوکه‌ای «کوکبی» (تألیف: ۱۰۱۶ ق)، نسخه آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- صفوة الصفاء، أسس المواهب السنية في مناقب الصفوية، تألیف ابن‌بزاز اردبیلی درویش توکلی فرزند اسماعیل فرزند حاجی محمد (د: ۷۵۹ ق)، انتشارات زریاب، تهران، ۱۳۷۶ خ.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۲۴

- طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ، الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحیح و مقدمه نگاری علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.
- طَبَقَاتُ أَعْلَامِ الشَّيْعَةِ، حقائق الراهنة في أعيان المائة الثامنة، شیخ آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵م.
- فرهنگ جغرافیایی ایران، فرهنگ رزم آرا، حسینعلی رزم آرا (ک: ۱۳۲۷خ)، دایره جغرافیایی ستاد ارتش شاهنشاهی ایران، تهران، ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲خ.
- فرهنگ نامه های عربی به فارسی، علینقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷خ / ۱۹۵۹م.
- فهرست کتابخانه مسجد سپهسالار، علینقی منزوی، محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰خ / ۱۹۶۲م.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، محمدتقی دانش پژوه. (مجموعه امام جمعه)، تهران، ۱۳۴۴خ.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، محمدتقی دانش پژوه، (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت)، تهران، ۱۳۴۱خ، ۱۰۴ + ۲ص. ادبیات و حکمت.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد دوازدهم، محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۴۰خ، از ص ۲۵۰۵ تا ۳۰۰۸.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد دوم، محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۳۱خ.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد سیزدهم، محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۴۰خ، از ص ۳۰۰۹ تا ۳۵۱۲.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد هیجدهم، فهرست نامها و عکس های مجلد ۱۶ و ۱۷، محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۶۴خ.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه وزیری یزد وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی، محمد شیروانی، جلد سوم، ۱۳۵۳خ.

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ ق)

۲۵

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی، محمد شیروانی، جلد پنجم، ۱۳۵۸ خ.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی، محمد شیروانی، جلد چهارم، ص ۱۳۹۵، ۲۵۳۵ شاهنشاهی / ۱۳۵۵ خ.
- الکامل في التاريخ، عزالدین ابوالحسن علی فرزند محمد شیبانی جزری، ابن اثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ ق)، سیزده جلد، دار الصاد، بیروت، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م
- کنز اللغات، کنز اللغة، ابن معروف، محمد پسر عبدالخالق پسر معروف (تألیف: ۸۷۰ ق).
- گیلان نامه، جلد دوم، مجموعه مقالات گیلان شناسی، به کوشش م. پ، جکتاجی، رشت، انتشارات طاعتی، ۱۳۶۹ خ، برگه ۵۱۴ - ۴۲۵، خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ ق)، دکتر علی نقی منزوی.
- لغتنامه دهخدا، علی اکبر دهخدا (د: ۱۳۳۴ خ)، تهران.
- مجالس العشاق، کمال الدین حسین گازرگاهی (تألیف: ۹۰۸ ق)، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زرین، تهران، ۱۳۷۶ خ.
- مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری (۹۶۵ - ۱۰۱۹ ق)، تصحیح گروهی از بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، احمد عبدمنافی، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۷ خ.
- مجالس النفایس، نظام الدین امیرعلیشیر نوایی (تألیف: ۸۹۶ ق)، علی اصغر حکمت، انتشارات منوچهری، تهران، ۱۳۶۳ خ.
- مجله دانشکده ادبیات، شماره اول سال سیزدهم.
- مجمع الخواص، صادقی کتابدار (۹۴۰ - ۱۰۱۹ ق / ۱۵۳۳ - ۱۶۱۰ م)، به کوشش عبدالرسول خیام‌پور، تبریز.
- مراحل النفوس، حسام الدین لاهیجانی کارکیا پسر یحیا (سده ۱۱ ه).
- مسالك، حسام الدین لاهیجانی کارکیا پسر یحیا (سده ۱۱ ه).

خاندان کارکیا در گیلان (۷۶۰ - ۹۹۹ق)

۲۶

مشرق الانوار، مثنوی، نظر گیلانی، شاه نظر پسر حسن شکوری نقیب (تألیف: ۹۵۵ق)، نسخه اصل نزد جواد نجومی در کرمانشاه.

مطالب العشاق، میرقاری گوکه‌ای «کوکبی» (تألیف: ۱۰۰۲ق)، نسخه آن در کتابخانه وزیر یزد، دانشگاه تهران و کتابخانه پاریس.

معجم الأنساب و الأسرات الحاكمة في التاريخ الإسلامي، ادوارد کارل ماکس ریتر فون زامباور (۱۸۶۶ - ۱۹۴۷)، مترجم زکی محمد حسن، مطبعة جامعة القاهرة.

نامه دانشوران، علیقلی میرزا، اعتضاد السلطنه، چاپ سنگی، ۱۲۹۶ - ۱۳۲۴ق؛ دیگر: رضا صدر، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۳۸خ.

نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۵خ)، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران، ۱۳۴۸خ، ۶ جلد. نفحات الأرض،

النفحات الصمدية في أجوبة المسائل الأحمدية، النفحات القدسية، مجتهد کرکی حسینی (د: ۱۰۰۱ق). هدية العارفين أسماء المؤلفين و آثار المصنفين، اسماعیل پاشا بغدادی فرزند محمدامین بابانی، وزارت معارف، استانبول،

۱۹۵۵.

دکتر علی نقی منزوی